

است. در کردستان احزاب و سازمانهای سیاسی در مجموع بر سر لزوم حل مسأله ملی و کسب حق تعیین سرنوشت برای ملت کرد، از توافق نظر چشمگیری برخوردار هستند و آنچه آنان را از هه متمایز میسازد، تنها حواشی امر و منافع خاص سازمانی میباشد.

ارائه پلاتفرمی جهت این که کلیه این نیروها را زیر چتر مشترکی گرد آورده و نیز به ایجاد ارتباطی ارگانیک مابین آنان بیانجامد، از احتیاجات بدیهی جنبش ناسیونالیسم کرد در فضای سیاسی کنونی منطقه ایران میباشد. تشکیل جبهه متحد کردستانی در حال حاضر مترادف با برآورده ساختن انتظار دیرینه مردم کردستان بوده و به مبارزات مدنی آنان در شهرها جانی دوباره میبخشد. گفتمان رادیکالی موجود در میان نخبگان کرد، دیر یا زود سازمانهای کردستانی را ناگزیر خواهد ساخت که همگرایی بیشتری را بین خویش برقرار ساخته و بیش از این در عرصه‌های نظری و عملی از مردم کرد عقبتر نیفتند.

ملت کرد اکنون از احزاب سیاسی فعال در صحنه خواستار است که بیش از هر زمان مصالح ملی را بر مصالح حزبی ارجحیت داده و با در پیش گرفتن اسلوبی دقیق و منصفانه، راه را برای تشکیل جبهه‌ای متحد جهت بسیج پتانسیلهای موجود باز نمایند.

مسئله جبهه متحد کردستانی در صحنه معادلات منطقه‌ای از جایگاه پراهمیت تری نسبت به یکایک احزاب فعلی برخوردار بوده و به عنوان مرجعی جهت نمایندگی خواسته‌های ملت کرد در ایران از مقبولیت و مشروعیت بسزایی برخوردار خواهد گشت. اکنون که د مجامع سیاسی خارج کشور، بحثهای مربوط به یافتن بدیل و الترناتیوی مناسب برای رژیم جمهوری اسلامی بسیار داغ بوده و در کانون توجه



نیاز حیاتی جنبش ناسیونال

دمکرات کردستان

سامان فقه نبی

جنبش ملی کردستان همواره به دلیل تشقت و پراکندگی توان و پتانسیلهای موجود خویش متحمل خسارات جبران ناپذیری گشته

احزاب اپوزیسیون ایرانی قرار دارد، کردها نیز ناچارند که با ارائه‌ی پلاتفرمی سیاسی-اجتماعی کارایی و توان خود را در جهت بسط گفتمانی دموکراتیک و مدنی به نمایش بگذارند.

جبهه‌ی کردستانی به مثابه‌ی سمبل جنبش ملی کردستان در آینده قادر خواهد بود که با ارائه‌ی پروژه‌های مدون و مشخص، کلیه‌ی حقوق ملی مردم کردستان را فهرست بندی نموده و در عین حال ضامن تحقق بخشیدن به "دموکراسی مشارکتی" برای کل ایران باشد. جبهه‌ی کردستانی باید بر روی محتوای دموکراسی که در فضای کنونی از سوی اپوزیسیون غیر کرد بسیار مورد تاکید قرار می‌گیرد، تعمق نموده و رضایت ندهد که حقوق ملی کردها زیر لوای شعارهای به ظاهر دموکراتیک کمرنگ گشته و به حاشیه رانده شود و در مجموع مساله‌ی ملی کرد به تابعی از مساله‌ی دموکراسی در ایران مبدل گردد. بلکه باید اهتمام ورزد که جنبه‌ی همگانی دموکراسی را در محتوای پروژه‌های دموکراتیک اپوزیسیون ایرانی گنجانده و اصل "حق تعیین سرنوشت برای ملیتهای ایرانی" را به کرسی بنشانند.

ما همواره باید این نکته را مد نظر قرار دهیم که اپوزیسیون ایرانی که فعلا در تبعید به سر برده و در اوج ضعف و زبونی خویش میباشد، اگر امروزه حقوق ملی-دموکراتیک مردم کردستان را به رسمیت نشناسد و به ان اقرار نکند، مسلما در اتی و هنگامی که به بدیل رژیم کنونی مبدل گردد، به هیچکدام از مطالبات ملی کردها اعتنایی نخواهد کرد و آنها را قربانی پروسه‌ی شبه‌دموکراسی ناقص خویش در ایران خواهد ساخت. لژا از هم اکنون جبهه‌ی کردستانی باید "حق تعیین سرنوشت برای ملت کرد" (در کلیه‌ی اشکال ان) را بعنوان پیش شرگ اصلی خود جهت تشکیل جبهه‌ای وسیعتر در قالب

* * *